

# ببینید

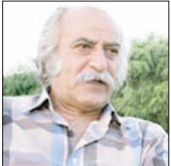
پیشنهاد کافه

۱۴



پیشنهاد سفر

۱۴



پیشنهاد رستوران

۱۴



دختر پل آستر و همه آنچه از پدر دارد

۱۶



سال پنجم ■ شماره ۱۰۲۲ ■ چهارشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۸

■ هومن روانپزش

## بی‌مهری به آیندگان

اخیراً ده‌ها هکتار از تنها پارک جنگلی شهر دماوند واقع در گیلاند پاکتراشی شد و ظرف چند روز سستون‌های فلزی و دیوارهای سیمانی جای آنها را گرفت. در زمانی کوتاه و بی‌هیچ مانعی تغییر کاربری جنگل دست‌کاشت ۲۰-۱۵ ساله با نام مسکن مهر آغاز شد؛ اتفاقی که شاید نظیر آن را در کمتر جایی از این کره خاکی بتوان پیدا کرد.اگر در یک منطقه خشک با تمام مشکلات جنگلکاری شود، ۱۵ سال با صرف هزینه و انرژی فراوان از این جنگل مراقبت نشود، آبی هم به ارزش طلا در سرزمینی واقع در کمربند بیابانی زمین به پایش ریخته شود درست زمانی که پهنه جنگلکاری شده به بازدهی می‌رسد و قابلیت تبدیل به پارک جنگلی و استفاده شهروندان را پیدا می‌کند، جنگل جوان با خاک یکسان می‌شود آن هم در شهری که با جمعیتی رو به رشد، هیچ پارک جنگلی و بوستانی وجود ندارد. اما این همه قصه نیست. ادامه ماجرا نفسگیرتر است؛ فاجعهای که در آینده گریبانگیر منطقه خواهد شد.

هم‌اکنون در مناطق شهری و حتی در مناطق دره‌ای و پایین‌دست شهر دماوند، جیلارد و گیلوند کم‌آبی به معضل مهمی تبدیل شده به نحوی که ۴، ۵ ماه در سال قطعی هفتگی آب اتفاق می‌افتد. گسترش شهر در سال‌های اخیر و انتقال آب به شهرک‌های تازه‌تاسیس واقع بر بلندی‌ها، شهری را که در گذشته شهر کوچه باغ‌ها با جوی‌های پرآب بود به شهری با معضل کم‌آبی تبدیل کرد و زمانی که دیگر آب چشمه‌ها پاسخگوی تامین آب شهری نبود، بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی و حفر چاه‌های عمیق آغاز شد. تا اینکه در سال‌های اخیر بهره‌برداری بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی به شهادت اهالی به کم‌آبی و خشک شدن بسیاری از چشمه‌ها و قنات‌های منطقه منجر شد.

حال با وجود این معضل سوال اینجاست که چگونه قرار است آب این شهرک وسیع مهر تامین شود؟! آیا جز با حفر چاه‌های عمیق و مکیدن آخرین جرعه‌های آب زیرزمینی؟ جز با خشکاندن چشمه‌ها و قنات‌ها؟ جز با نابودی کشاورزی و باغ‌های منطقه؟ جز به قیمت نابودی سرسبزی و پتانسیل گردشگری منطقه؟ جز به قیمت نشست‌های گسترده زمین؟ و اینجاست که باید سراغ از واژه‌های آیندمنگری، توسعه پایدار و آمایش سرزمین در اندیشه اندیشمندان پرمدعایی گرفت که چنین برنامه‌ریزی می‌کنند. و باز این آخر قصه نیست. به گواه اخبار منتشره در سبزپرس، ماجرا تکرار می‌شود؛ جنگل‌های باستانی تالش برای مسکن مهر، جنگل‌های دست‌کاشت اطراف اصفهان برای مسکن مهر، باغ مرکز تحقیقات کشاورزی گرگان، ایستگاه تحقیقاتی کام فیروز در استان فارس، باغ اکولوژی نوشهر، ایستگاه پژوهشی مار گون در کهگیلویه و بویراحمد، نهالستان لردگان همه برای مسکن مهر.

## ❖ تهدیدهای محلی

## نمایشگاه محیط زیست

## و گذشته‌های حسرت‌بار

از آخرین حضور پرشور تشکل‌های زیست‌محیطی کشور در ششمین نمایشگاه بین‌المللی محیط زیست پنج سال می‌گذرد و امروز دهمین نمایشگاه بین‌المللی محیط زیست بدون حضور NGOها و در فضایی کاملاً دولتی و یکدست برگزار شد. معصومه ابتکار که در دوران ریاستش بر سازمان محیط زیست ایران مورد شدیدترین انتقاده‌ا از سوی گروه‌های زیست‌محیطی قرار داشت حال در جریان بازدید از این نمایشگاه لب به انتقاد می‌گشاید و می‌گوید: وقتی دیگر فضای نقد عملکرد سازمان وجود ندارد نباید هم توقع داشته باشیم NGOها هم حضور داشته باشند. رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران می‌گوید: در مورد NGOهای محیط زیست باید بگویم چون این افراد معمولاً افراد جسوری هستند که حرف‌شان را می‌زنند، شاید دیگر حضور آنها، وقتی نمی‌توانند حرف‌شان را بزنند، دلیلی نداشته است.

برگزاری شش دوره نمایشگاه بین‌المللی محیط زیست در دوران ریاست معصومه ابتکار با وجودی که با انتقادات شدیدی علیه او و سازمانش همراه بود اما هر سال بیشتر از سال قبل شاهد حضور فعالان محیط زیست و NGOها بود؛ گروه‌هایی که گاه حتی شمار آنها از مرز ۶۰ تا ۷۰ NGO هم می‌گذشت و با وجودی که هیچ مانعتی از حضورشان و فعالیت‌های انتقادی‌شان صورت نمی‌گرفت حتی گاه در بسیاری از موارد غرفه‌های رایگان نیز در اختیار آنها گذاشته می‌شد تا نمایشگاه محیط زیست را به فضایی پرشورتر تبدیل کنند، شاید یکی از منتقدترین گروه‌های زیست‌محیطی را بتوان انجمن حمایت از حیوانات ایران نام برد که هر سال با ابتکار تازهای در نمایشگاه حضور می‌یافت. یک سال، تمام غرفه درختان قطع‌شده و تصاویری از پرندگان تلفشده با مجوزهای شکاری که در دست داشت، نشان می‌داد. اما حتی این قبیل اقدامات هم نتوانست ابتکار را به ممانعت از حضور این قبیل گروه‌های زیست‌محیطی در نمایشگاه محیط زیست ترغیب کند هر چند او و مدیرانش نیز گاه از این گونه رفتارها و برخوردهایی که علیه او و سازمانش در نمایشگاه توزیع می‌شد بسیار اشفته‌خاطر می‌شدند اما بزرگ‌ترین ویژگی او این بود که سعه‌صدر بالایی داشت و انتقادات در سال‌های زیست‌محیطی را حتی اگر با توهین هم همراه می‌شد به نوعی نادیده می‌گرفت. در آن سال‌ها حتی گاه یک سالن مجزا به NGOها داده می‌شد تا فعالیت‌هایشان را در معرض دید بگذارند اما در یکی از همین سال‌ها که غرفه گروه‌های زیست‌محیطی را در سال‌های متعدد و در بین صنایع توزیع کردند چنان صدای طرفداران محیط زیست را بلند کرد که حتی این اقدام را توطئه سازمان محیط زیست علیه NGOها قلمداد کردند. در طول برگزاری نمایشگاه، برخی از این گروه‌ها با در دست داشتن پلاکاردهایی در محکوم کردن تخریب جنگل‌های شمال توسط صنایع چوب و کاغذ یا آلوده کردن هوای تهران توسط پالایشگاه مقابل غرفه این صنایع اجتماع می‌کردند و اگر مسئولان برگزارکننده نمایشگاه مانع از این اجتماعات می‌شدند، آنها به بیرون سالن‌ها می‌آمدند و دست به اعتراض نمادین و حرکت و نشانه نمایشگاه می‌زدند تا به نوعی توجه همگان را به اعتراض می‌آلودگی محیط زیست جلب کنند. در این نمایشگاه‌ها طومارهای زیادی خطاب به رئیس‌جمهور وقت ایران در اعتراض به عملکرد سازمان محیط زیست نوشته می‌شد که معترضان گاه حتی خواستار تغییر در کادر مدیریت سازمان محیط زیست بودند. اما امروز نه خبری از این گروه‌های زیست‌محیطی است و نه خبری از اعتراض به عملکرد سازمان و اگر هم هستند گروه‌هایی که معترضان به سازمان‌اند، دیگر جایی برای حضورشان در نمایشگاه وجود ندارد. جالب‌تر اینکه برخی از همین معترضان دیروزشش امروز فانوس دست گرفته و دنبال ابتکار می‌گردند چراکه بر این باورند که لایال فرخی اقدامات زیست‌محیطی خوبی هم در آن دوران صورت گرفت که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.

اسا یکی از بحث‌برانگیزترین اقدامات اعتراضی که توسط انجمن حمایت از حیوانات ایران در سال ۱۳۸۳ در نمایشگاه محیط زیست صورت گرفت توزیع برگه‌هایی با عنوان «هجوژ شکار، ویژه شیوخ دوست‌داشتنی کشورهای حاشیه خلیج فارس»، «لوح سبز با نرخ آزاد ویژه صنایع آلاینده» و حتی «هجوژ ساخت و ساز در پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده» بود که در ذیل این برگه‌ها به شکل نمادین نام رئیس وقت سازمان محیط زیست یعنی معصومه ابتکار قید شده بود.

صرفنظر از اینکه عملکرد سازمان محیط زیست در دوران هشت سال مدیریت معصومه ابتکار چه بوده و اینکه آیا NGOها درست می‌گفتند یا نه، ولی نکته اساسی این بود که در آن دوران جایی برای حرف زدن منتقدان زیست‌محیطی وجود داشت اما اگر امروز این فضا برای گروه‌های زیست‌محیطی مهیا نیست، نه به دلیل اینکه انتقادی به ریاست سازمان محیط زیست و عملکردش وارد نیست، بلکه به این دلیل است که اساساً اعتقادی به حضور NGOها و مشارکت دادن آنها در امور زیست‌محیطی وجود ندارد.



جنگل سبزپرس / جنگل عازم‌چال در شمال ایران

## عامل تخریب جنگل‌های شمال

# شرکت‌های بهره‌بردار یا جنگل‌نشینان



❖ مژگان جمشیدی

هر بار که تهران را به مقصد شمال ایران ترک می‌کنم اراضی جنگلی لخت و بی‌درختی را می‌بینم که با وجود انکارهای متعدد مسوولان منابع طبیعی، اما همچنان به وسعت آنها افزوده می‌شود.

مشاهده این صحنه‌ها چنان آزاردهنده است که چاره‌ای نداری جز اینکه عطای سفر به مناطق جنگلی شمال را به لقای آن بخشی تا لااقل از این همه سر و صدای ماشین‌آلات راهسازی و سدسازی و بوی طبیعت‌زدایی که در سراسر مناطق جنگلی مشام را می‌آزاد، بگریزی. چرا که اگر تا دیروز برای مشاهده تخریب جنگل لازم بود راهی طولانی را تا اعماق جنگل طی کنی، امروز وضعیت به گونه‌ای شده که بسیاری از تخریب‌ها در امتداد جاده و در برابر چشم هزاران مسافر صورت می‌گیرد و تو به ناچار باید تماشاگر تخریب‌هایی باشی که از شرق گلستان تا غرب گیلان، این نور سبز را در برگرفته است. تخریب منطقه جنگلی پارک ملی گلستان برای تعریض جاده، تخریب ۴۰۰ هکتار جنگل در حاشیه غربی جاده چالوس به منظور ساخت سد و نیروگاه سیاه‌پیشه و نیز معدن‌کاوی، تخریب اراضی جنگلی حاشیه شرقی جاده نکا - بهشهر برای عملیات معدن‌کاوی و برداشت ماسه، پاکتراشی ۷۰ هکتار جنگل در مخزن سد کبودال در گلستان، پاکتراشی ۷۰۰ هکتار جنگل در مخزن سد البرز در سوادکوه و پاکتراشی چندین هکتار از اراضی جنگلی در ۲۰ کیلومتری محور قزوین - رشت به دلایل نامعلوم تنها نمونه‌ای است که همگی حامل یک پیام مشترک به ماست: اینکه جنگل‌های شمال رو به نابودی است و این همان موضوعی است که سال‌هاست فائق، بانک جهانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و بسیاری از فرهیختگان و متخصصان دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی در ایران در موردش هشدار می‌دهند اما مسوولان سازمان متولی همچنان معتقدند در جنگل‌های شمال نه تخریب داریم و نه کاهش سطح و اگر هم تخریبی هست متوجه دام و جنگل‌نشینان است!

منتظری معاون مناطق مرطوب سازمان

جنگل‌ها و مراتع می‌گوید: مساحت جنگل‌های شمال از یک میلیون و ۸۴۷ هزار هکتار در سال ۱۳۷۲، به یک میلیون و ۹۳۹ هزار هکتار در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است.

او با رد هر گونه تخریب جنگل با توسعه طرح‌های عمرانی و صنعتی افزود: اگر امروز شاهد افزایش ۹۰ هزار هکتاری مساحت جنگل‌های شمال هستیم به دلیل جنگل‌کاری‌های صورت گرفته، طرح‌های غنی‌سازی و احیای جنگل‌های مخروبه و تغییر در شیوه‌های مدیریتی بوده که منجر به افزایش سطح کیفی و کمی جنگل‌های شمال شده است. این مقام همچنین دام و جنگل‌نشینان را عامل اصلی تخریب جنگل در ایران می‌داند و از حضور بیش از سه میلیون واحد دامی غیرمجاز و ۹ هزار خانوار جنگل‌نشین در جنگل خبر می‌دهد.

اما این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که اتفاقاً در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۶ مناطق جنگلی شمال شاهد بزرگ‌ترین و مرگبارترین سیل‌های تاریخ ایران بوده است. سیل‌هایی همچون سیل نکا، ماسوله، سیل سال ۱۳۸۰ گلستان و تکرار همین سیل در سال‌های ۸۱، ۸۲ و ۸۴ در گلستان بوده که هر بار عامل اصلی این سیل‌ها تخریب جنگل معرفی شده و در جریان آن صدها نفر جان باخته و هزاران نفر بی‌خانمان شده‌اند.

در همین حال مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پنج سال قبل با انتشار گزارشی نسبت به تبعات ناشی از نابودی جنگل‌ها و مراتع کشور هشدار داد و بروز برخی حوادث طبیعی نظیر تکرار سیل‌های گلستان را نتیجه از بین رفتن جنگل‌های این منطقه دانست. دفتر مطالعات زیربنایی این مرکز اعلام کرد: سیل منطقه گلستان که در سال‌های اخیر همه‌ساله تکرار شده به عقیده اغلب کارشناسان نشانه بی‌تدبیری است، زیرا تحقیقات گسترده به عمل آمده نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته هیچ بارش بیش از حدی در این منطقه وجود نداشته و کارشناسان با مقایسه روند بارش‌ها دریافته‌اند که این میزان بارش بیش از هزاران سال است در این منطقه به همین شکل وجود داشته اما از

بین رفتن جنگل‌های گلستان باعث بروز سیل‌های خانمان‌برانداز شده است.

این گزارش خاطر‌نشان می‌کند تخریب گسترده پوشش گیاهی جنگل‌ها عمدتاً توسط شرکت‌هایی صورت می‌گیرد که به دولت حق بهره‌برداری می‌پردازند اما این حق بهره‌برداری که مثلاً در سال گذشته (حدوداً) ۳۰۰ میلیون تومان بوده تنها در مقیاس یک سیل بسیار کوچک، معادل پنج میلیارد تومان خسارت و صدمه به کشور وارد می‌کند. مرکز پژوهش‌ها افزود: سیاست دولت به ویژه نگاهی که در سازمان جنگل‌ها و مراتع درباره جنگل وجود دارد، یک نگاه اقتصادی است و برای خود درخت یا حیوانات جنگلی ارزشی قائل نمی‌شوند و تنها برنامه‌ای که برای بهره‌برداری از جنگل وجود دارد این است که درخت به پول نزدیک شود.

از سوی دیگر وزیر جهاد کشاورزی نیز برخلاف معاون سازمان جنگل‌ها، شرکت‌های بهره‌بردار را اصلی‌ترین عامل تخریب جنگل می‌داند. صادق خلیلیان شش ماه قبل در جمع مدیران منابع طبیعی گفت: بیشترین تخریب جنگل‌ها از سوی شرکت‌های بهره‌برداری صورت می‌گیرد و وجود دام در جنگل و جنگل‌نشینان در مرحله چهارم قرار دارد. وی همچنین افزود: اثرات و فواید جنگل‌ها و مراتع در طرح‌های عمرانی و

توسعه‌ای کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته و این در حالی است که نقش منابع طبیعی در اقتصاد ملی نقشی محوری و بی‌بدیل است.با این حال مسوولان سازمان جنگل‌ها عنوان می‌کنند که تنها کمی بیش از ۸۰۰ هزار متر مکعب در سال از جنگل‌های شمال بهره‌برداری صنعتی می‌شود. این در حالی است که با وجود تامین چوب مورد نیاز این صنایع از محل واردات و طرح‌های صنوبرکاری، باز هم این صنایع تا رسیدن به تولید در حد ظرفیت اسمی‌شان فاصله دارند. حال نکته اینجاست که با وجود مخالفت مسوولان سازمان جنگل‌ها و مراتع با احداث هرگونه واحد جدید چوب و کاغذ در کشور، هشت کارخانه جدید بدون مجوز این سازمان در حال ساخت است که شش مورد آنها در استان‌های شمالی و در جنوب جنگل‌های هیرکانی است؛با به این ترتیب اگر این واحدها نیز به مرحله بهره‌برداری برسند کمبود ماده اولیه صنایع چوب و کاغذ ایران بالغ بر سه میلیون متر مکعب در سال خواهد شد که معلوم نیست این میزان چوب قرار است از کجا تامین شود؟!

### ■ نابودی جنگل، نابودی تنوع زیستی

نابودی جنگل‌های شمال ایران همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متخصصان منابع طبیعی کشور است و متأسفانه نه‌تنها امروز بسیاری از عرصه‌های جنگلی به بهانه طرح‌های عمرانی پاکتراشی می‌شوند بلکه از همه مهم‌تر اینکه اگر هم در منطقه‌ای پاکتراشی در کار نباشد انتخاب گزینشی برخی گونه‌های درختی برای بهره‌برداری‌های صنعتی، جنگل را تهدید می‌کند و تاسف‌آورتر اینکه به اعتقاد کارشناسان در بسیاری از موارد جای این گونه‌ها را گونه‌های سریع‌الرشد و گاه غیربومی می‌گیرند. این‌س رخدادی است که امروز حتی از سوی سازمانی که خود متولی حفظ جنگل است صورت می‌گیرد و با توجه‌های گوناگون اقدام به کاشت سوزنی برگ‌ها در حاشیه برخی طرح‌های احیای جنگل در دل رویشگاه‌های طبیعی می‌کنند. توجه‌هایی از این قبیل که «سوزنی‌برگ‌ها به مثابه تابلوی ورود ممنوع است که دامدار با دیدن آن می‌فهمد نباید وارد جنگل شود»

یا «سوزنی‌برگ‌ها تعیین‌کننده مرز جنگل از اراضی مردم است» و...این در حالی است که حتی در ابتدایی‌ترین آموزش‌های بوم‌شناختی سال‌های اول دانشکده در رشته‌های محیط زیست و منابع طبیعی، در مورد خطرات این گونه اقدامات و معرفی گونه‌های غیربومی به زیستگاه‌ها، سال‌هاست گفته می‌شود اما سازمان جنگل‌ها بی‌توجه به این اصل بوم‌شناختی، با کاشت درختان کاج سیاه و گاه با این توجیه که «این گونه‌ها به عنوان گونه‌های پیشگام، زمینه را برای رشد سایر گونه‌های بومی همچون راش در آینده فراهم می‌کنند»، تخریب یک زیستگاه و یک رویشگاه طبیعی و نهایتاً نابودی تنوع زیستی را رقم می‌زنند. از سوی دیگر این روز‌ها دیگر کمتر مخالفتی در برابر طرح‌های مخرب عمرانی در جنگل‌ها می‌شنویم چرا که وقتی صحبت از ساخت جاده یا سد است دیگر کسی به سرنوشت جنگل‌های سر راه آن نمی‌اندیشد. شاید به همین دلیل است که چند هفته قبل نماینده فائقو در ایران، از روند رو به رشد تخریب جنگل‌های ایران سخن گفت.

«سوزینل نارولا» در مراسم روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی به صراحت گفت: ایران یکی از ۷۰ کشور در حال توسعه جهان است که پوشش جنگلی آن کمتر از ۱۰ درصد مساحت کل کشور است. با این حال جنگل‌ها در ایران به سرعت ناپدید می‌شوند. او ناتوانی و نبود کارایی در سیاست‌های ملی، استفاده موثر از اراضی جنگلی برای پاسخگویی به تقاضای بهره‌برداری از جنگل و منابع طبیعی، و گسترش فقر را از مهم‌ترین دلایلی دانست که منجر به تخریب سریع جنگل‌های ایران شده است. از سوی دیگر بانک جهانی نیز در آخرین گزارش خود از وضعیت نابودی جنگل‌های جهان و نیز ایران اعلام کرد: خسارات ناشی از نابودی جنگل‌های خزری در ایران سالانه ۹۰۶ میلیون دلار آمریکا معادل ۰/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی است. بر اساس این گزارش سالانه ۱۲۵ هزار هکتار از جنگل‌های ایران نابود می‌شود که سهم جنگل‌های شمال ۴۵ هزار هکتار در سال است.

### نکته

–بانک جهانی: خسارات ناشی از نابودی جنگل‌های خزری در ایران سالانه ۹۰۶ میلیون دلار آمریکا معادل ۰/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی است.
–مرکز پژوهش‌های مجلس: تخریب گسترده جنگل‌ها عمدتاً توسط شرکت‌هایی صورت می‌گیرد که به دولت حق بهره‌برداری می‌پردازند.

